

خیلواکی



استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

سه شنبه ۲۸ اپریل ۲۰۲۰

حمید انوری

## یادی از حماسه ماندگار نهم ثور



### "سعی کردند ما را دفن کنند، غافل از اینکه ما بذر بودیم"

حماسه افتخار آفرین نهم ثور سال ۱۳۵۹، روزی است که دختران مکاتب کابل با قلم و کتاب و چادر های سپید، به جنگ هیولای تا دندان مسلح تجاوز و غلامان بی مقدار خلقی و پرچمی شان رفتند. روزی که رژیم دست نشاندۀ روس به دستور بادران روسی شان، خونهای پاک خواهران سرافراز ما را که غیر از قلم و کتاب سلاحی در دست نداشتند، در کوچه کوچه و خیابان خیابان کابل، چنان وحشیانه و ددمنشانه ریختند که تاریخ پر از فراز و نشیب افغانستان هرگز نظیر آنرا به یاد ندارد.

در آنروز تاریخی و فراموش ناشدنی، در آن روز حماسه آفرین و به یاد ماندنی، در آن روز خون و خنجر، در آن روز حماسه ساز، دختران غیور و با همت افغان، شاگران مکاتب اناث، چادر های سپید شانرا بر سر عساکر رژیم کودتا می انداختند و فریاد میزدند که چادر های ما از شما، تفنگ های تان را بدهید تا ما از وطن خود دفاع کنیم. حماسه نهم ثور سال ۱۳۵۹ همانگونه که افتخار بزرگ برای مردم سرافراز افغانستان و تاریخ افغانستان است، همانگونه هم به خاک و خون کشیدن آن حماسه، لکه ننگ دیگری بر دامن خونین جنایتکاران هفتم ثوری است. در آن روز حماسه آفرین و افتخار آمیز، جانیان وجدان مرده خلقی- پرچمی، سازمانی های شرف باخته حزب منفور شان و جاسوسان پلید و جنایتگستر شان، جنایتی را رقم زدند که تاریخ به یاد ندارد.

این کمترین که از نزدیک شاهد آن جنایت هولناک بودم، با چشمان اشک آلود، گلوی بغض کرده و اعصاب تکه تکه، شاهد پرپر شدن گل های سرسبد کابل بودم. می دیدم که چگونه این تخم حرام، این نطفه گندیده و این شرف باختگان وجدان مرده، با چه وحشت و ددمنشی خونهای پاک خواهران قهرمان ما را می ریزند، چگونه چادر های سپید خواهران نازنین ما غرق در خون شده و مثل توت به زمین می ریزند و حتی آخ هم نمی گویند، ناله هم نمی کنند...

جاسوسان پلید خاد، سازمانی های وجدان مرده و حزبی های شرف باخته، با کمک عساکر اجیر، چنان مشغول کشتار خواهران ما بودند که تو گوئی هرگز نبود از پس امروز، فردائی.

این جنایتگستران بی آزرم سخت تلاش کردند، کشتار کردند، زنجیر و زولانه کردند، قین و فانه کردند، بند از بند خواهرکان نازنین ما جدا کردند، برای شهیدان حماسه نهم ثور گور های دسته جمعی ایجاد کردند، غافل از اینکه آن حماسه سازان تاریخ کشور، بذری بودند که از آن، صد ها و هزارها شاخ شمشاد جوانه زد، رشد و نمو کرد و به ثمر رسید.

خونهای ریخته شده در آن حماسه ماندگار تاریخ، عاقبت گلوی جنایتکاران خلقی- پرچمی و پادوان خادی شان را گرفت و همه را راهی گورستان تاریخ نمود.

ناهید صاعد از جمله ده ها و صد ها خواهری بود که نترس و بی هراس، در کنار وجیهه خلقی و دیگر دختران مکاتب کابل در آن حماسه ماندگار، با دستان کثیف و نابکار خلقی ها و پرچمی ها، نامردانه و ددمنشانه پرپر شدند و به جاودانگی پیوستند و امروز که از آن حماسه بی نظیر تاریخ کشور ما، چهل سال آزرگار میگذرد، هنوز نام های پرافتخار شان همچنان می درخشد و باعث افتخار مردم و میهن در خون نشسته ما است.

اینکه چرا از آنهمه قهرمان دخت افغان فقط نام های پاک آن دو دخت سرافراز افغان زمین برای ما آشنا است و ده ها و صدها قهرمان آن حماسه جاودان و سترگ گمنام ماندند، یگانه دلیل آن، جو اختناق و بگیر و ببند ای بود که این جنایت پیشگان بی آزرم تاریخ به کمک عساکر تجاوزگر روسی و جواسیس بیشمار خاد- کی جی بی، بر سرزمین ما حاکم ساخته بودند و به خانواده شهدا اخطار داده بودند که اگر نام ای از شهدای خود ببرند و اگر مراسم فاتحه و جنازه برگزار کنند، تمام فامیل را نیست و نابود خواهند کرد؛ تعدادی را به زندان ها و سیاهچال ها فرستادند، عده دیگر را به شعبات تحقیق و شکنجه و عده دیگر را به گورستان های دسته جمعی.

ولی و اما و مگر! آواز رسای آن خواهران سربلند و آزاده را ما همه ساله فریاد میکنیم، یاد شانرا گرامی میداریم و به نام نامی هر یک شان افتخار میکنیم و به قاتلین پلید آنان، پرچمی های بی وجدان و خلقی های بی آزرم و جنایتکار نفرین می فرستیم و از خداوند برای یک یک آن دار و دسته ملعون، مرگ پر از مشقت آرزو میکنیم که الحق بدتر از آن را سزاوار هستند.

خون ناحق دست از دامان قاتل برنداشت

دیده باشی لکه های دامن قصاب را